

برزخ نوجوانی و طوفان جنسی

<?xml encoding="UTF-8?">

در میان دورانهای مختلف حیات انسان، دوره بلوغ و آغاز حیات جنسی از مهم ترین و بحرانی ترین ایام زندگانی به شمار می رود . در همین دوران است که دگرگونیهای بسیاری در تواناییهای جسمی به وقوع می پیوندد و به همراه خویش بینشها و گرایشهای نوجوان را متحول می سازد . مولوی در ضمن بیانی گیرا این دوره را این گونه به شعر در می آورد:

و آن جوانی همچو باغ سبز و تر
می رساند بی دریغی بار و بر
چشمه های قوت و شهوت روان
سبز می گردد زمین تن بدان
خانه معمور و سقفش بس بلند
معتدل ارکان و بی تخلیط و بند (1)

با نظر به اهمیت این دوران، روان شناسان در یکصد ساله اخیر به تحقیقات دامنه داری دست زده اند و هر کدام از زاویه ای خاص به بازگشایی و تشریح این دوره پرداخته اند .

جالب است بدانیم قرن بیستم در کنار تمامی القاب و اسامی خویش، مانند: عصر فضا، اتم و عصر ارتباطات به «عصر شناسایی علمی نوجوانان» نیز ملقب شده است . (2) و این مطلب نشانگر پیچیدگی این دوران خاص می باشد . از این رو، برخورد سطحی با این مقوله جز باز خوردها و واکنشهای منفی به بار نخواهد آورد . از همین جا می توان سنگینی رسالت مبلغان و مربیان را درک نمود؛ چرا که آنان می توانند با شناسایی این مرحله حیاتی و ظریف، نقشهای مثبت تری در پرورش مخاطبان جوان و نوجوان خویش ایفا نمایند .

در این راستا، نوشتار حاضر سعی خواهد نمود، ضمن رعایت چکیده گویی و با تاکید بر حیات جنسی در دوران بلوغ، نکاتی را یادآوری نماید . بدیهی است کاوش بیشتر در این عرصه و شناخت همه جانبه دوران نوجوانی، نیازمند تلاش خوانندگان محترم و پیگیری مباحث ارائه شده در منابع اصلی می باشد .

آستانه حیات جنسی

آستانه زمانی حیات جنسی در کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است و به عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی قومی و توارث بستگی دارد . (3) البته، باید توجه داشت که در مورد سن بلوغ بین کارشناسان اختلاف نظر است، اما بیشتر آنان بر این عقیده اند که شروع بلوغ در دختران 9 - 16 سال و در پسرها 10 - 17 سالگی است . اما آنچه مورد توافق همگی است، بلوغ زودرس دختران نسبت به پسران است . (4) در هر حال، بلوغ در پسرها با ترشح هورمونهای جنسی آغاز می شود و مهم ترین آنها تستوسترون است که

موجب تغییرات بسیاری می گردد که در پایین به آنها اشاره می شود:

1. این هورمون بر توزیع موی بدن تاثیر گذاشته، رشد مو در ناحیه زهار، صورت، زیر بغل، قفسه سینه و پشت را موجب می شود.
 2. در ابتدا صدای نوجوان را دورگه ساخته، سپس موجب بم شدن صدا می گردد.
 3. ضخامت پوست را افزایش داده، با فعال ساختن غدد چربی موجب پدیدآوردن جوش غرور می شود.
 4. به خاطر ترشح تستوسترون ضخامت و استقامت استخوانها افزایش می یابد و بدن عضلانی می گردد.
 5. با شروع بلوغ و ترشح هورمون یاد شده، اندازه قسمت‌های مختلف بدن، افزایش می یابد.
 6. نیاز بدن به انرژی را تا 15% افزایش داده، رژیم غذایی را تغییر می دهد. (5)
- امام صادق علیه السلام نیز در همین رابطه با گفتاری گویا به ارائه نشانه های بلوغ می پردازند و خطاب به مفضل می فرمایند: «فاذا ادرك و كان ذكرا طلع الشعر في وجهه فكان ذلك علامة الذكر ... و عز الرجل التي يخرج به من حد الصبي و شبه النساء; (6) و آنگاه که طفل به مرز بلوغ می رسد، چنانچه پسر باشد، در صورتش مو می روید و این نشانه جنس مرد و خروج از دوران کودکی و شباهت به زنان است.»
- در دنباله این دوران در حدود 14 سالگی احتلام و انزالهای شبانه رخ می دهد و به مرور سرعت رشد کاهش یافته و در حدود 18 یا 19 سالگی متوقف می شود. در برخی روایات اسلامی نیز با اشاره به همین دوران، پایان رشد، 18 سالگی قرار داده شده است:
- «عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله - عزوجل - «فلما بلغ اشدّه واستوی» (7) قال: اشدّه ثمانی عشرة سنة واستوی التحی; (8) امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فلما بلغ اشدّه واستوی» فرمودند: مراد از نیرومندی، رسیدن به هجده سالگی است و مقصود از «استوی» رویش مو بر صورت است.»

هویت یابی

نقش بلوغ تنها به جنبه های جنسی ختم نمی شود، بلکه از آنجا که دوران نوجوانی، زمان ساخت هویت و شخصیت یک فرد نیز محسوب می شود، بر آن نیز تاثیر می گذارد. این تاثیرها می تواند به صورت اختلالات شخصیتی ذیل جلوه گر شود:

الف) بدبینی: نوجوانان به هیچ کس اعتماد نداشته، دائما نگران آسیب دیدن و فریب خوردن از دیگران می باشند. در ذهن خود تهدیدهایی از طرف دیگران ترسیم می کنند و به دنبال آن موضع دفاعی می گیرند. زود عصبانی می شوند و به انتقاد یا پیشنهاد دیگران اهمیتی نمی دهند. مسائل کوچک را بزرگ می بینند و زندگی را بر خود و دیگران دشوار می سازند.

ب) شخصیت منزوی: کناره گیر، مردم گریز و اجتماع ناپذیر می باشند، دوستان کمی دارند، بی تفاوت بوده، به ندرت به دنبال تفریح و حضور در فضاهای باز می روند.

ج) شخصیت بی ثبات: این گونه افراد قدرت مواجهه با مشکلات را ندارند. روابط ایشان سطحی و فاقد صمیمیت است و برای آینده خویش هدف مشخصی ندارند. این گونه اشخاص برای رسیدن به اهداف خویش از خشونت روی گردان نیستند و ممکن است به انواع انحرافات اخلاقی و بزهکاری مبتلا شوند. (9) در بخشهای آینده به خوبی در خواهیم یافت که بین بافت شخصیتی و حیات جنسی رابطه ای محکم وجود دارد. به عنوان مثال، برخی از انواع انحرافات جنسی سبب جامعه گریزی، انزوا یا شونت خواهد شد که در بحثهای آتی به آن خواهیم

رویش خرد و بلوغ جنسی

بلوغ جنسی و علائم آن نه تنها نشانگر رشد جسمی و جنسی نوجوان است، بلکه نشانی از تحول و تکامل در جنبه های روانی نیز هست . به همین دلیل، اغلب نوجوانان در سنین بین 12 تا 15 سالگی به نوعی بلوغ عقلی می رسند و مفاهیم مجرد و انتزاعی را درک می کنند و بسیاری از ارزشها و اصول اخلاقی را درمی یابند . در ادامه این رشد، آنان در 15 تا 18 سالگی وارد مرحله ای جدیدتر می شوند و به فلسفه زندگی، بایدها و نبایدهای زندگی توجه می نمایند و به پرسشگری در این موارد می پردازند .

در همین دوران است که ضمن درک واقعیتها، بر آزادی خویش تاکید می کنند و خواستار آزادی در بسیاری از زمینه ها می شوند . این مسئله از آنجا اهمیت می یابد که اگر نتوان در این دوران بین بلوغ عقلی و جنسی نوجوان رابطه ای منطقی و درست پدید آورد، انحرافات، بزهکاری و اختلالات رفتاری و شخصیتی را در پی خواهد آورد . (10)

امیرمؤمنان نیز باتاکید بر همین هویت متضاد نوجوانان، دوره نوجوانی را عرصه پیکار خرد و حماقت می داند و می فرماید: «لا يزال العقل والحق يتغالبان على الرجل الى ثمانى عشر سنة فاذا بلغها غلب عليه اكثرهما فيه» (11) خرد و حماقت همواره و پیوسته تا 18 سالگی در جنگ و ستیز برای غلبه بر انسان اند و آن گاه که به هجده سالگی برسد، از میان خرد و حماقت هرکدام که در جان نوجوان عمق بیشتری داشته باشد، پیروز این میدان خواهد بود .»

در همین رابطه روایات دیگری نیز وجود دارد که ضمن تاکید بر تفکیک بلوغ عقلانی و جنسی، بلوغ عقلی را تنها ملاک مهم در ارزشیابی از شخصیت نوجوان به حساب می آورند . از این میان، می توان به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره نمود که می فرماید: «انقطاع يتم اليتيم بالاحتلام وهو اشد و ان احتلم ولم يؤنس منه رشد و كان سفیها او ضعيفا فليمسك عنه وليه ماله» (12) یتیمی [کودکان بی سرپرست] با احتلام که همان نیرومندی بدن اوست [و نشانه بلوغ جنسی است] پایان می پذیرد . اما چنانچه با وجود احتلام، او به رشد [عقلی] نرسیده باشد و سفیه یا ضعیف باشد، سرپرست وی باید اموال او را [بازستانده] نزد خویش نگه دارد .»

مراحل تمایلات جنسی

نوجوانی، دوره ای انتقالی و نوعیبرزخ میان کودکی و جوانی به شمار می رود . در این سن مسئله آفرین، نوجوان وارد حیات عاطفی خویش می شود و با رشد جنسی، احساس بی ثباتی و عدم امنیت در وی تشدید می شود . زنگهای خطر آنگاه به صدا درمی آیند که والدین و مربیان به جای راهنماییهای مؤثر و کارگشا، تدابیری مبهم و گیج کننده را اتخاذ نمایند و به این وسیله نوجوان را در سرگردانی رها سازند . از این رو، مناسب است با توجه به اهمیت مطلب، گذری هرچند کوتاه بر مراحل تمایلات عاطفی - جنسی در نوجوان داشته باشیم .

پیش از بررسی این مراحل، لازم است بدانیم نوجوان در آغاز این دوران احساس ناشناخته و مرموزی را در وجود خویش می یابد که با نوعی محبت و علاقه به دیگران آمیخته است . این احساس به پنج مرحله تقسیم می شود: مرحله اول: توجه نوجوان به وضع بدن به ویژه دستگاه تناسلی اش معطوف می شود و این سرآغاز تمایلات

جنسی او است .

مرحله دوم: در این مرحله توجه به امور جنسی با عاطفه و محبت همراه می شود و ماهیتی عاطفی به خود می گیرد .

مرحله سوم: علاقه به جنس مخالف در وی بیدار می شود . این علاقه ممکن است یک یا چند نفر را هدف قرار دهد .

مرحله چهارم: علاقه از چند نفر به یک نفر معطوف می گردد . این فرد ممکن است از لحاظ سنی مسن تر از نوجوان باشد .

مرحله پنجم: نوجوان تغییر عقیده داده، به فردی از جنس مخالف که همسن او باشد متوجه می شود . (13)
در واقع، نوجوان طی حیات جنسی خود دو نوع عشق را تجربه می کند: عشق عاطفی و عشق شهوانی . عشق عاطفی محبتی پاک می باشد و به دور از جنبه های جنسی با تمجید و تحسین توأم است و نوجوان از اینکه این احساس را با مسائل جنسی لکه دار کند به شدت پرهیز دارد . به دنبال عشق عاطفی، عشق شهوانی سر می رسد که همراه با لذت های جنسی می باشد . در این مرحله، نوجوان چنانچه ویژگی های مطلوب خویش را در شخص مقابل ببیند، به ازدواج می اندیشد .

«موریس دبس» در تشریح این دوران می گوید: «دیر یا زود غریزه جنسی، به ویژه در پسران، تا سرحد وجدان نفوذ کرده، تحریکات شهوانی، همچون تصادم امواج با ساحل، شروع به مبارزه می نمایند . این غریزه آن گونه قدرتمند است که مرکز تاثیرگذاری برای تمام آرزوهای اعضای دیگر بدن می گردد . اما تاثیرات غیرمستقیم آن بسیار بیشتر است . وجود آن به کلی زندگانی عاطفی و تظاهرات محبت آمیز انسان را تحت تاثیر قرار می دهد . تا جایی که اگر در 13 یا 14 سالگی مکان محدودی را در عاطفه اشغال کرده باشد، سه یا چهار سال بعد، مالک اصلی آن می شود و آن گاه است که تمام تظاهرات محبت آمیز انسان از غریزه جنسی سرچشمه می گیرد .» (14)

با این وجود، باید توجه داشت که در این مرحله، چنانچه این علاقه مندیها در چارچوب شرع و قانون مهار نشوند، ممکن است به مسئله ای پرمخاطره تبدیل شوند . به همین خاطر، مناسب است در سنین حساس بلوغ با تقویت اراده نوجوانان و ارائه آگاهی های لازم آنان را به خویشستن داری و پی گیری فعالیتهای سالم تشویق نمود تا در این دوران پر اضطراب و خطرآفرین، در مسیری سالم و خدایسندانه گام بگذارند و به سلامت از طوفانهای جنسی بگذرند .

کجرویهای جنسی

وجود نیازهای جنسی در انسان، مانند نیازهای ابتدایی نظیر گرسنگی یا تشنگی مسئله ای طبیعی به شمار می رود . اما این نیاز در دوران بلوغ از قدرتمندترین جنبه های حیاتی محسوب می گردد که دیگر جنبه های عاطفی، عقلانی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده، در پاره ای از موارد برای ارضاء خویش قوانین را زیر پا می گذارد . از همین جا است که مفهوم «انحرافات جنسی» پدید می آید و بر همه روشهای کسب لذت جنسی که مورد قبول قوانین دینی و اجتماعی نباشد، اطلاق می گردد . (15)

در واقع، با کاهش قدرت مقاومت اراده و ایمان شخص در برابر جاذبه ها و کششهای جنسی، زمینه بروز کجرویهای جنسی مهیا می شود و نوجوان به یک یا چند بزه جنسی روی می آورد . کامجویی از خود یا کشش به

سوی جنس موافق یا گرایشهای غیرقانونمند به سوی جنس مخالف از جمله گرایشهای انحرافی به حساب می آید

همچنین این گونه انحرافات موجب رشد احساس ناتوانی و عجز در برابر کششهای نامطلوب جنسی گردیده، نوجوان را به موجودی بی اراده و ناتوان تبدیل می کند . این حس ذلت را را امیرمؤمنان علیه السلام در گفتار خویش این چنین بیان می کنند: «عبد الشهوة اذل من عبد الرق؛ (16) آن کس که بنده [و برده] شهوت خویش است، ذلیل تر از بنده برده می باشد .»

و در جایی دیگر در تشبیهی زیبا به واقعیتی سهمناک اشاره کرده، می فرمایند: «عبد الشهوة اسیر لا ینفک اسره؛ (17) بنده شهوت همانند اسیری است که اسارتش همیشگی و بی پایان است .»

انواع انحرافات جنسی

انحرافهای جنسی را می توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

الف . انحرافهای هدفی: در این نوع انحرافها، هدف جنسی نادرست انتخاب می شود، مانند: همجنس گرایی و خودارضائی که در اولی شریک جنسی از جنس موافق است و در دومی، شخص، خود شریک جنسی خویش است

ب . انحرافات روشی: در این دسته، هدف جنسی درست گزینش می شود، ولی در شیوه برآوردن ارضاء نیاز جنسی روش نامناسبی برگزیده می شود، مانند: جنون دیگرآزاری یا خودآزاری که در حین آمیزش جنسی از فرد سر می زند.

ج . انحرافهای شدتی: این دسته که بیشتر ضعف یا شدت در فعالیتهای جنسی را دربر می گیرد به خودی خود انحراف جنسی - شرعی محسوب نمی شود، اما به عنوان بیماری مورد بررسی قرار می گیرد . (18)

در اینجا مناسب است یادآور شویم که متأسفانه نوع شایع انحراف جنسی در میان نوجوانان، استمناء یا خود ارضائی است که نظر به اهمیت این موضوع مباحث آتی را با تأکید بر این انحراف پی خواهیم گرفت .

کجرویهای جنسی و علتها

در زمینه بررسی علتهای انحرافات جنسی باید اعتراف نمود که این گونه علتها دامنه ای بسیار گسترده دارند که توجه به همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است . از این رو، به مهم ترین علل اشاره کوتاهی خواهیم داشت:

الف . کنجکاویها: کودک در سنین پایین با کنجکاوی در مورد اندام خویش با دستگاه تناسلی نیز آشنا می شود و از آنجا که تماس با آن موجب نوعی لذت می شود به ادامه کار تشویق می شود . مناسب است در این موارد والدین او را متوجه کارهای دستی - هنری و بازیهای پرنشاط نمایند .

ب . ناآگاهی: نوجوان ممکن است به صورت اتفاقی دچار خودارضائی شود و به خاطر لذت حاصل از آن و بدون توجه به خطرهایی که او را تهدید می کند به این کارها ادامه دهد . در اینجا است که وظیفه والدین بیش از هر زمان دیگر سنگین تر است و باید سبب به علائمی همچون بی حسی، کسالت، افسردگی، انزوا و ... عکس العمل لازم را نشان دهند و موضوع را بدون برچسبهای ناروا و با مشورت با افراد آگاه، مورد بررسی قرار دهند .

ج . خانواده های آسیب زا: رعایت مسائل جنسی بین والدین و رعایت حریمها در این مورد می تواند در تربیت جنسی نوجوان نقش چشم گیری داشته باشد . همچنین نوع برخورد والدین با فرزندان دختر و پسر و جداسازی

آنها از یکدیگر، از اهمیت به سزایی برخوردار است .

د . حقارت و تحقیر: از جمله عوامل مخرب شخصیت نوجوان که می تواند در ابتلای وی به انحرافهای جنسی نقش مهمی ایفا کند، سرزنشها و ایجاد عقده حقارت در نوجوان است . بی تردید کسی که از خودباوری بیشتری برخوردار است، کمتر به دام این گونه کجرویها می افتد و برعکس، شخصیتهای خودکم بین و تحقیر شده، دفاع روانی مناسبی در برابر طوفان شهوات نداشته، در پنجه این انحرافات گرفتار می شوند .

ه . تقلید و بدآموزی: دوران نوجوانی، دورانی آمیخته با تقلید است . تقلیداز گروه همسالان و بزرگسالان محبوب، از همین ویژگی نشأت می گیرد . تقلید، گاه جنبه بدآموزی به خود می گیرد و به تقلید رفتارهای ناهنجار جنسی می انجامد . شاید به همین دلیل است که امام باقر علیه السلام در مورد تاثیر دوستان ناباب از زبان لقمان می فرماید: «ومن يقارن قرين السوء لا يسلم؛ (19) آن کس که با دوست ناباب همنشین شود، سالم نمی ماند .»

و . عوامل فرهنگی: وجود مجلات، عکسها و فیلمهای مبتذل، همچنین فضاهای مختلط و بی بندوبار و کتابهای نامناسب می تواند عاملی مهم در انحرافهای جنسی باشد . این گونه عوامل به ویژه رسانه های تصویری، از آنجا که با حافظه ماندگار دیداری سر و کار دارند، از آسیب زایی بیشتری برخوردارند .

ز . لباسهای نامناسب: پوشیدن لباسهای تنگ یا لباسهای جنس مخالف، موجب تشدید هیجان جنسی شده، در نتیجه باعث فروافتادن به کام مشکلات می گردد .

ح . محبت جویی: خلا عاطفی و روانی راه را برای سوء استفاده دیگران و پناه بردن نوجوان به دیگران هموار می سازد و او را به سوی کام یابیهای مجازی می کشاند . (20)

راههای پیش گیری

از جمله پرسشهای مهم در زمینه انحرافهای جنسی، چگونگی برخورد و پیش گیری از این نوع انحرافات می باشد . در این قسمت به صورت فهرست به برخی از مهم ترین راهها اشاره خواهیم نمود:

1 . آموزش خانواده ها: خانواده ها در صورت آمادگی می توانند نقشی چشم گیر در پیش گیری و درمان داشته باشند؛ چرا که خانواده ها در ارتباط مستقیم و واقعی با نوجوان قرار دارند و اهرمهای بسیاری برای تربیت در اختیار دارند .

2 . آموزش به نوجوانان: این آموزشها از طریق سخنرانی، گفتگو و دیگر روشها می تواند ارائه شود و در این میان، همدلی و همزبانی و ارتباطهای بی واسطه بسیار مؤثر خواهند بود .

3 . احترام به شخصیت حقیقی و حقوقی نوجوان: در این حالت، وی با خودباوری بیشتری در برابر مشکلات خواهد ایستاد .

4 . کارو فعالیتهای سالم: شاید یکی از علل مهم بروز ناهنجاریهای جنسی، بی کاری است . کار و فعالیتهای ذهنی و جسمی درمانگر بسیاری از مشکلات خواهد بود .

5 . تنظیم خواب و تغذیه مناسب: به عنوان مثال، نوجوان باید از غذاهای ادویه دار، فلفل، پیاز و ... کمتر استفاده کند .

6 . دوری از محیطهای تحریک زا: مانند: برخی اماکن عمومی و میهمانیها .

7 . گسترش دایره ارتباطات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی .

8 . تقویت روحیه مذهبی: بی گمان فطرت خداجو، حقیقت خواه و عدالت دوست نوجوان بیش از هر جای دیگر،

می تواند از سرچشمه دین و مذهب سیراب شود . این مسئله با توجه به خصوصیات اسلام و مذهب جعفری صورتی واقعی تر به خود می گیرد . البته، توجه و توصیه به مذهب در دوران حیرت نوجوانی تنها مورد توجه مبلغان یا فعالان مسلمان نیست، بلکه کسی همچون «ویلیام جیمز» بنیانگذار فلسفه پراگماتیسم و یکی از روان شناسان مشهور در همین رابطه می گوید: «ایمان از جمله قوایی است که بشر به مدد آن زندگی می کند و فقدان کامل آن در حکم سقوط بشر است . (21)

9 . نگاه مثبت به خود و دیگران و دوری از منفی گرایی .

10 . ایجاد روحیه امید و دوری از ناامیدی و یاس .

11 . ورزش و استفاده از دوش آب سرد .

توصیه های مهم

از مسائل مهمی که باید مورد توجه والدین، مربیان و به طور کلی فعالان در عرصه نوجوانی قرار گیرد، چگونگی برخورد با مسائل جنسی نوجوانان و ظرائف رفتارهای تربیتی در این وادی می باشد . رازداری، همدلی، عدم اقرارگیری، پرهیز از برچسب زدن، حمل بر صحت و تعمیم ندادن یک جنبه منفی به دیگر جنبه های شخصیت نوجوان یا جوان، از راهکارهای تربیتی است که می تواند در به سامان کردن رفتارهای نابهنجار در نوجوانان مؤثر باشد و موجب افزایش اعتماد آنها گردد .

از این رو، باید از هرگونه پیش داوریهای غیر منصفانه در برابر رفتارهای نوجوانان خودداری نمود و با مدارا و نرم خویی آنان را در خروج از بحران طبیعی پیش آمده یاری رساند .

باید اعتراف نمود که نوجوان از تجربه لازم برخوردار نیست و به فرموده امیرمؤمنان، علی علیه السلام: «جهل الشباب معذور و علمه محقور» (22) بی اطلاعی جوان عذری پذیرفتنی است، و دائره دانش [و آگاهیهای] او گسترده نیست .»

همچنین نوجوان هرگز تصور نمی کند برخی اعمال او چه ضربات سهمگینی بر آینده اش وارد خواهد ساخت و او را دچار چه مشکلاتی خواهد نمود .

از سوی دیگر، در دنیای امروز که وسائل ارتباط جمعی، زندگیهای هسته ای و بسته، نظامهای تربیتی رسمی، رهاوردهای فرهنگی بیگانه و شبه بیگانه، ریسمان ارتباط بین انسانها به ویژه نوجوانان، والدین و ارزشهای دینی - اجتماعی را روز به روز سست تر می نماید، رسالت والدین بیش از هر زمان دیگر پررنگ تر می شود . روایت گرانقدر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایتی از همین دوران را مطرح می فرماید: «انه نظر الی بعض الاطفال فقال: ویل لاولاد آخر الزمان من آبائهم . فقیل یا رسول الله من آبائهم المشرکین؟ فقال: لا، من آبائهم المؤمنین لایعلمونهم شیئا من الفرائض واذ تعلموا اولادهم منعوهم ورضوا عنهم بعرض یسیر من الدنیا فانا منهم بری ء وهم منی براء» (23)

رسول اکرم برخی از کودکان را دیدند و فرمودند: وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان! گفته شد: ای رسول خدا، از پدران مشرکشان؟ فرمودند: خیر، بلکه از پدران مسلمانشان که واجبات دین را به آنها نمی آموزند و هر گاه کودکانشان، خود به تحصیل دین بپردازند، آنها را باز داشته، به اندکی از دنیا که فرزندانیشان به دست آورند، راضی می گردند . پس من از این گونه پدران دورم و آنان نیز از من .»

در پایان نیز، تذکر این نکته لازم است که حل موارد حاد انحرافات جنسی، تنها به مدد اشخاص آگاه و کارشناسان

ممکن است . و باید از برخوردها و درمانهای خود ساخته و سلیقگی خودداری کرد .

پی نوشت ها :

- (1) مولوی، مثنوی معنوی .
- (2) دنیای نوجوان، دکتر محمدرضا شرفی، ص 26 .
- (3) دوران شکوفایی، دکتر محمدرضا سهرابی، ص 11 .
- (4) بلوغ تولدی دیگر، محمود محمدیان، ص 24 . جهت اطلاع از تفاوت سن بلوغ در قاره ها و کشورهای مختلف به همین منبع مراجعه شود .
- (5) نک: دوران شکوفایی، فصل سوم . جهت اطلاع از چگونگی بلوغ جنسی در دختران نک: دوران شکفتگی، محمدرضا و ثریا سهرابی .
- (6) بحارالانوار، ج 3، ص 62 و ج 57، ص 377 .
- (7) قصص/14 .
- (8) تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، ج 4، ص 224; همچنین تفسیر ترجمه المیزان، علامه طباطبایی، ج 16، ص 19 .
- (9) دوران شکوفایی، ص 107 و 108 .
- (10) جهت اطلاع بیشتر نک: روان شناسی تربیتی، دکتر محمد پارسا، ص 83 و 84 .
- (11) بحارالانوار، ج 1، ص 96 .
- (12) کافی، ج 7، ص 68; وسائل الشیعه، ج 17، ص 360 .
- (13) جهت اطلاع بنگرید: دنیای نوجوان، ص 178 به بعد .
- (14) بلوغ، موریس دبس، ص 46، به نقل از جوان، فلسفی، ج 1، ص 300 .
- (15) نک: روان شناسی مرضی، دکتر پروین بیرجندی، ص 357 .
- (16) غررالحکم و درر الکلم، ص 304 و 305 .
- (17) همان .
- (18) برداشتی آزاد از «دنیای نوجوان» ، ص 184 .
- (19) بحارالانوار، ج 13، ص 417; اصول کافی، ج 2، ص 642 .
- (20) برداشتی آزاد از «دنیای نوجوان» ، ص 187 به بعد .
- (21) جوان، فلسفی، ج 1، ص 346 .
- (22) غررالحکم، ص 76 .
- (23) جامع الاخبار، تاج الدین، الشعیری، ص 106; مستدرک الوسائل، ج 15، ص 164، به جای اولاد، اطفال دارد .